



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۱/۱۰

م. اسحاق نگارگر

همین یکی را در کلکسیون خطا کاری های خود کم داشتیم



دیروز در جمله خبرها خواندم که عده ای در جست و جوی ثروت بدون زحمت رفته و آرامش مردگان را برهم زده و پنداشته اند که ثروتمندان مسلمان نیز همانند مصریان عهد فرعون ها ثروت و گنجینه های خویش را با خود بدان دنیا می برند.

جنگ پدیده بسیار وحشتناک است که مانند اژدها اکثر فضیلت های اخلاقی جامعه را می بلعد.

جنگ ارزش زندگی را سخت پایان می آرد و کشت و کشتار را در جامعه رایج می سازد و خشونت را بالا می برد. ارزش زنان را فرو می اندازد و زن را به کالای قابل خرید و فروش بدل می کند و بالاخره جنگ به دست جنگندگان ثروت های بادآورد و بی زحمت فراوان می دهد.

آرزوی ثروتمند شدن آرزوی بسیار خوب است به شرط اینکه نیروی ثروت آفرینی را در انسان ایجاد نماید و انسان را بل گیت بسازد. اما به نیروی نظامی و از راه زور و دست اندازی بر مال این و آن یا گروگانگیری و اختطاف یا رشوه خواری و اختلاس به گفته خانم پروین اعتصامی همان دزدی روز روشن است که در مثنوی دزد و قاضی می گوید:

دزد اگر شب گرم یغما کردنست

دزدی حگام روز روشنست

ما در جزایان سی و پنج سال جنگ برای ثروت اندوزی کلکسیونی از خطا های گوناگون جنگی را آماده کردیم که سه قاچاق عمده در صدر کلکسیون ما قرار داشت.

- ۱- قاچاق زمرّد و لاجورد به بهانه تمویل جهاد ضد متجاوزان روسی.
- ۲- قاچاق مواد مخدر باز هم به بهانه تمویل جهاد.
- ۳- قاچاق دفتینه ها و نخایر تاریخی و حفاریات خود سرانه و غیر قانونی برای همین منظور.

حالا شما می توانید غصب زمین، اختلاس کمک های خارجی و فرو ریختن آن در جیب های شخصی، رواج گرم بازار رشوه خواری و اختطاف و گروگان گیری کودکان و نوجوانان.

اینها همه مدارکی بود که عاملان خود را شب در میان ثروتمند می ساخت و هدف معتبر شدن و معتبر نمایی را در اقصای مختلف مردم به عنوان یک هدف درجه اول بدل کرده بود و همین معتبر نمایی کاذب است که کشور را به بازار جهانی همه چیز و همه کس بدل کرده است.

من در افغانستان به طور اتفاقی مجبور گردیده ام که در کابل و مزارشریف در چند تا عروسی نیز شرکت کنم و در آن جاها دختران جوان را در لباس (call girl) های پاریس و لندن و جوان پسران را نیز در لباس (pimp) های نیویارک دیده ام و دلپاش نیز رقابت و همچشمی بوده است.

و دلچسپ این است که در مردمان متوسط اصولاً قدرت خرید آن لباس ها وجود ندارد ولی معتبر جلوه کردن همان حالت را به وجود آورده است که قدیمیان ما می گفتند:

"در خانه اش یک پک آرد وجود ندارد ولی در بامش نه تا تندور است".

از مقصود دور نروم هوی و هوس ثروتمند شدن به اشکال مختلف در میان مردم ریشه دوانده است. جوانان باید پدر و مادر را وادارند که با قرض و قواله تمام مخاطره ها را بپذیرند و برای قاچاقبر پول تهیه و آنان را روانه خارج نمایند و قاچاقبران بیرحم نیز که بازار را گرم یافته اند اکنون کشتی های کهنه و غیر قابل استعمال را از قبرستان کشتی ها می خردند و این جوانان بی تجربه و بیخبر از همه جا را بدون ملاح و دیگر کارکنان در بحر رها می کنند و دنبال کار خود می روند.

و اما برای دختران نیز شاهزاده رویایی شان با اسب سفید حتماً باید از امریکا، اروپا و استرالیا رهسپار افغانستان شود و قدرت تادیه مصارف گزاف عروسی های افغانستان را داشته باشد!

از مقصود دور نیستم که من در باره جلوه های گوناگون ثروت بادآورد فکر کرده بودم ولی این یکی را در دنیای تخیل شاعرانه نیز تصور نکرده بودم که عده ای برای جست و جوی ثروت بادآورد آرامش دنیای مردگان را به هم می زنند و مشتی استخوان پاره را بر روی زمین می کشند ولی نمی دانند که نه کفن پوسیده آنان قابل فروش است و نه استخوان های شان دردی را دوا می کند. فقط یک هدف می تواند داشته باشد و آن از میان بردن خرمی که افغان ها به مزار علما و عرفا دارند ولی آیا این کار کوچک به مصرف پول هم می ارزد و یا ما آنقدر نیروی تفکر را از دست داده ایم که دیگران باید همانند یک روبات ما را کوک کنند و ما همان را بکنیم که دیگران می خواهند.

من که هر چه فکر کردم عقلم قد نداد که اینان از بیرون کشیدن استخوان های مردگان چه مقدار ثروت می اندوزند. فاعتبروا یا اولی الابصار - ۷ جنوری ۲۰۱۵ برمنگهم نگارگر



تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!